

موسیقی از چه می‌زید؟

پژوهشی درمبادی جامعه‌شناسی موسیقی (۵)

بر خورد با موسیقی

تألیف آلفونس سیلبرمان ترجمه و نگارش محمود خوشنام

واقعیات آشکار و دگرگونی‌های اجتماعی :

در اینجا شکل دریافت ما به روش تحلیلی ما بستگی می‌یابد. هر گاه باید این بررسی با کمک شناخت‌های جامعه‌شناسی آنه انجام پذیرد، تنها هنگامی موفق و واقعی تواند بود، که برای حقایق قابل اثبات و آشکار، نهایت اعتنا و احترام را قائل باشد، همانگونه که باید در برابر اعتقادات غیر واقعی، که از جانب جامعه به رسمیت شناخته شده بسیار مناسب خواهد بود که در اینجا گفته آید، که برای هر عالم اجتماعی تنها «رؤیا»ئی خواهد بود که از طریق جهش‌های تجریدی (آبستره) بتواند، به بررسی و مطالعه‌ی سیستم عظیم نیروهای اجتماعی بشکلی واقع بینانه و «ابژکتیو» پردازد.

اینگونه بررسی‌ها، متأسفانه به ندرت پیش آمده است و غالب مطالعات جامعه‌شناسی آنه، قشری و غیر متدیک بوده‌اند. بدینگونه است که حتماً باید در تمامی بررسی‌هایی - فی‌المثل چون بررسی «اشوکن اشمیت»^۱ که اهتمام در

۱ - H. H. Stucken Schmidt استاد تاریخ موسیقی در آلمان که در

میزگرد موسیقی‌شناسی جشن هنر شیراز نیز شرکت داشت.

آن می‌ورزد که بررسی موسیقی را با «آموزش جامعه» آمیزش دهد، که این فی‌نفسه کوششی پسندیده است - که قبل از آنکه نتایجی واقعی و قابل ادراک و باور بدست دهند، تنها به این پرسش که «موسیقی چیست» می‌پردازند، بچشم تردید نگرست.

مطالعاتی از اینگونه بدین‌حدهم بسنده نمیکنند و غالباً میکوشند که موسیقی را بعنوان موسیقی، محور اصلی خود قرار دهند. در اینجا است که باید به «اشتوکن اشمیت» حق داد، هنگامی که وی اعلام میدارد که:

«بیان سی و پنج سال مطالعات جامعه‌شناسی موسیقی تنها یک نتیجه بدست میدهد: موسیقی بعنوان زیبایی و بعنوان یک موجود بی‌سود، هیچ نقش و تأثیری در پی ندارد...»^۱

ما از این گفته بیش از آن که سرخورده شویم، تشجیع میشویم. گفته‌ی مزبور - همانند بسیاری اقوال دیگر از اینگونه - مبین آنست که بهر طریق نیازی به وجود آمده است برای انطباق دگرگونی‌های جهانی حتی با مسائل موسیقی، از طریق شناخت‌های نوین.

از این نکته نمیتوان به آسانی گذشت، که این دگرگونی‌ها، نظیر کشف پنی‌سیلین، عمومی ساختن اصول روانشناسی، گسترش دامنه دانش‌های مردم‌شناسی، تکامل سلاح‌های اتمی و هیدروژنی، به‌گور سپردن آرمان‌های «لیبرال بورژوازی»، گسترش فلسفه‌های اثباتی^۲، که تمامی مسائل اخلاقی را به‌حقارت کشانیده، همه‌وهمه سبب ایجاد تزلزلی ویرانگر در آداب و اعتقادات سنتی شده است. این دگرگونی‌های ویران‌ساز، تأثیر خود را - زودیا دیر - در تمامی حوزه‌های تلاش‌های انسانی محسوس و قابل لمس خواهد ساخت و نقاط عطف، لحظات تصمیم، دوره‌های انتقادی و بالاخره در مجموع آنچه را که امروز به «بحران» تعبیر میکنند، بوجود خواهد آورد.

هر قدر که در تاریخ جامعه‌شناسی بیشتر تعمق نمائیم، این حقیقت روشن‌تر

۱ - in «Melos» (zeitschrift), Melosverlag و September 1955, s. 245

۲ - Die Positivistische Philosophie

رخ خواهد نمود که «پیشرفت‌های شایان توجه در قلمرو و تفکر در باب پدیده‌های اجتماعی، همواره سبب ایجاد «بحران» شده است.»^۱

بنابراین ما با «رنه کونینگ»^۲ هم اندیشه‌ایم که جامعه‌شناسی، امروز، پیش از هر چیز بعنوان «دانش بحران»، در قالب «دانش معاصر» درمی‌آید.^۳ جامعه‌شناسی، چه در بررسی‌های کلی و چه در مطالعات تخصصی، اجازه‌ی آن را ندارد که تنها به وقایعی بسنده کند که به مسائل جامعه‌شناسی آنه یک منطقه یا یک ملت مربوط میشوند، بلکه در حد او است که اینگونه مسائل را در یک سطح بین‌المللی بنگرد. از آن گذشته یک «دانش بحران» نمیتواند تنها محتوی تعهدات عادی و مستقیم دانش‌های دیگر باشد، بلکه نیز باید، کشف شده‌های خود را در راه اهدافی با ارزش بکارگیرد.

براین اصل و اساس است که جامعه‌شناسی همچنان برپای مانده است، حال خواه تلاش‌های آن در راه «فی‌المثل» «جامعه‌شناسی احزاب آلمان»^۴، و یا بخاطر «جامعه‌شناسی زبان»^۵ بوده باشد، و خواه موضوع مورد گفتگوی کنگره‌هایی را ساخته باشد بدینگونه :

«روابط انسانی در صنعت»، «ازدواج مختلط» و غیره. لحظات انتقادی موسیقی - و «بحران موسیقی» - از برخورد با موسیقی و در راه نزدیک شدن و وصول به اثر هنری حاصل می‌آید. راهی، که ما بر طبق دریافته‌های جامعه‌شناسی آنه‌ی خود، هنگامی مجاز به نشان دادن آن هستیم، که پیشاپیش نکات کوتاه و گونه‌گون دیگری را از نظر گذرانده باشیم. اینک بدان نکات می‌پردازیم.

۱ G. Bouthol : Traité de Sociologie, Paris 1964, s.7. —
۲ R.König : Soziologie Heute, Regio Zürich 1949, s.21-۳.۲
۳ Von der Heydte-Sacherl, Lsar verlag, München, 1956 —
۴ M. Cohen, Albim Michel, Paris 1956 — ۵